

شیوه های آموزش در مکتب خانه های هرمزگان

جلیل تراهی

دانشجوی دکتری، تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

jalil.tarahi@gmail.com

اردشیر اسدیگی

استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

Jafar.asadbeigi@gmail.com

احمد بازماندگان خمیری

استادیار گروه تاریخ ایران اسلامی، واحد بین الملل قشم، دانشگاه پیام نور، قشم، ایران

Ahmad.khamiri@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۵ زمستان ۱۴۰۳ صفحه ۷۱-۵۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

چکیده

نگاهی به تاریخ آموزش نشان می دهد که از بدو شکل گیری نهادهای تربیتی، سازمان و شاکله این نهاد تطور و تحول زیادی داشته است یکی از این نهادهای تاثیر گذار در کشور ما مکتب خانه ها بوده اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه های آموزش در مکتب خانه های هرمزگان انجام شده است. این مطالعه از منظر روش شناسی در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. شیوه ی گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و ابزار جمع آوری داده ها ، از مصاحبه شفاهی ، تحقیقات میدانی و فیش برداری استفاده گردیده است . یافته های این پژوهش نشان می دهد مکتب خانه ها از جمله آموزشگاه های همگانی اما سازمان نیافته ای بود که تعلیم کودکان در سطوح ابتدایی و بسیار پایین به طور عام و آموزش قرآن را به طور ویژه عهده دار بود که مبنای عمل مکتب خانه ها در اصل آموزش مقدمات و از جمله خواندن قرآن ، فارسی حساب و واجبات دینی و به ویژه نماز بود. نظام مکتب خانه ای علی رغم تاثیر گذاری آن بر افزایش سطح سواد و دانش افزایی جامعه روستایی ، بعضاً ، به دلیل سواد پایین ، ناآشنایی مکتبدارها با اصول تعلیم و تربیت و تنبیهات بدنی باعث تنفر کودک از معلم و درس و مکتب شد. این پژوهش که در زمره تحقیقات مروری و کتابخانه ای به شمار می آید در صدد تبیین و تشریح و نقد این نهاد آموزشی و پرورشی می باشد که در تکوین و تعالی آموزش و پرورش ایران و هرمزگان سهم بسزایی داشته است.

واژگان کلیدی: ، استان هرمزگان، شیوه های آموزش، مکتب خانه های هرمزگان، نهاد آموزشی، تعلیم

و تربیت

نهادهای آموزش و پرورش در طول تاریخ ایران را می توان به سه دسته تقسیم کرد: پیش از ظهور اسلام، بعد از ظهور اسلام و دوران معاصر. در دوره ی هخامنشیان تعلیم و تربیت در خانواده، آتشکده و آموزشگاه درباری صورت می گرفت که در روزگار زرتشت و هخامنشان تا اواخر دوره ساسانیان روحانیون زرتشتی وظیفه تعلیم و تربیت را بر عهده داشتند که در این زمان آموزش و پرورش به صورت گروهی و طبقاتی انجام می گرفت. با ترویج دین اسلام در بلاد اسلامی و اهمیت دادن این دین مقدس به علم و دانش حلقه هایی برای آموزش در مکان های مختلفی تشکیل می شد که میتوان جایگاه های آموزش و پرورش پیش از بنیاد مدارس را بدین ترتیب نام برد مساجد، مکتب ها، کتاب فروشی ها، خانه ی دانشمندان، و همه ی این ها مردم را به فراگیری خواندن و نوشتن وا می داشت که این گرایش به هنگام شکوفایی اسلام آغاز شد. آموزش و پرورش در دوران معاصر که نظام آموزش و پرورش با انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن شکل رسمی به خود گرفت به این صورت بود که آموزش براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی برای همگان عمومی و اجباری شد و به پرورش انسانی ماهر در همه ابعاد اخلاقی، هنری، اجتماعی، جسمی و سیاسی تاکید گردید تا قبل از آن آموزش و پرورش در مکتب خانه های سنتی انجام میشد که معلمان به روش سنتی به کودکان می آموختند. در این مقاله نگارنده کوشیده برای نسل حاضر و آینده به طور مختصر شرحی از احوال مکتب خانه های قدیم در استان هرمزگان را گزارش دهد و شیوه های آموزش را در این نهاد تربیتی، تشریح نماید. چرا که شناخت مکتب خانه های قدیمی وسیله ای برای مقایسه مدنیت، فرهنگ و پیشرفت اجتماعی است. این موضوع از آن نظر دارای ارزش و اهمیت است که ریشه مدارس امروزی مکتب خانه های از یاد رفته دیروز است و شناخت این ریشه ها، شناخت شاخه ی بزرگی از فرهنگ گذشته ماست مکتب خانه ها تا دو نسل پیش تنها کانون آموزش اجتماعی بودند از این رو مجموعه ای از حال و هوای جامعه و آداب و سنت های اجدادی ما در آن منعکس بوده است سیری در رسوم و ارزشهای مکتب خانه از دیدگاه های بسیاری میتواند ثمر بخش و هم پر جاذبه باشد. این پژوهش با استفاده از روش مروری و کتابخانه ای ضمن مراجعه به کتب و مقالات و رساله های دانشجویی به گردآوری اطلاعات مربوطه می پردازد. در خصوص مکتب خانه ها در ایران تاکنون کتاب هایی با نام مکتب خانه در ایران اثر ناصر تکمیل همایون و کتابی دیگر با عنوان از مکتب خانه تا مدرسه اثر علی سیدین منتشر شده است..

مکتب خانه و شیوه های آموزش آن ، از آغاز دوره اسلامی رواج پیدا کرده بود ، در دوره قاجار گسترش بیشتری پیدا کرد و عموم مردم برای آموزش فرزندان خود از مکتب خانه ها و شیوه های آموزش سنتی آن بهره بردند. که یکی از ابتدایی ترین اشکال آموزش در دوره قاجار و پس از آن تا سال های متاخر به حساب می آمد و از جمله آموزشگاه های همگانی اما سازمان نیافته ای بود که تعلیم کودکان در سطوح ابتدایی و بسیار پایین به طور عام و آموزش قرآن را به طور ویژه عهده دار بود که مینای عمل مکتب خانه ها در اصل آموزش مقدمات و از جمله خواندن قرآن ، فارسی ، حساب و واجبات دینی به ویژه نماز بود (اقتصادی و اکبری. ۱۳۹۴: ۱۶). مکتب خانه مکانی بوده که در آنجا کودکان به یادگیری درس و سواد می نشستند. زن یا مرد به نام ملا باجی و یا ملا مکتب دار در قبال دریافت اجرت ماهانه به کودکان سواد می آموختند تحصیل در مکتب خانه محدودیت سنی نداشت بطوریکه شاگرد ۴ ساله با محصل ۱۴ ساله زانو به زانوی یکدیگر روی حصیر می نشستند (بابایی زارچ و همکاران، ۱۳۹۹: صص ۲۱۵-۲۵۲)

مکتب خانه های هرمزگان:

مردم هرمزگان نیز همچون دیگر مردمان ایرانی در اکثر نقاط آن، در هر عصر و با توجه به شیوه های کسب علم در هر دوره، بر دانش و هنر خود افزوده اند. در نقاط مختلف هرمزگان همین که فرزندان آنها به سن مکتبی می رسیدند آن را به مکتب خانه فرستاده و نخست به آن الفبا می آموختند. الفبایی که از شبه جزیره عربستان، از مدینه منوره در سال ۱۳ قمری به بعد، به دبا (پایتخت سابق کشور عمان) و از آنجا به جزیره قشم و سپس به سراسر هرمزگان انتشار یافت (کمالی زاده. ۱۳۹۸: ۲۴).

تاریخچه مکتب خانه در هرمزگان:

مکتب خانه را می توان شکل قدیم آموزشگاه های تحصیل علوم دانست. که در آن معمولاً یک تعلیم دهنده که خود تحصیل کرده علوم اسلامی بود به فعالیت آموزشی می پرداخت. این گونه مکان های آموزشی امروزه جای خود را به مدرسه داده است. نظام آموزش سنتی ایران در دوره قاجار را می توان نظام مکتب خانه ای نامید. هدف از آموختن این نظام بیشتر تربیت شاگردان و آموختن شریعات دینی و مذهبی بود. تا زمان مظفرالدین شاه (این مسئله در اکثر استان های کشور تا زمان ناصر الدین شاه بود)، مدرسه به صورت امروزی در هرمزگان وجود نداشت و تنها مکتب خانه بود

که آموزش را البته به صورت محدود به کودکان و نوجوانان می داد (کتیرایی، ۱۳۴۵: بی جا) از دیگر موارد قابل اشاره در مورد مکتب خانه ها می توان به این مورد اشاره نمود که تقریباً در اکثر نقاط کشور که مکتب خانه ها دایر بود به صورت عمومی و خصوصی وجود داشت که مکتب خانه های خصوصی ویژه خانواده های متمول و خوانین آن منطقه بود و مکتب خانه عمومی نیز ویژه دیگر اقشار جامعه، اما در هرمزگان این مسئله بسیار اندک و تقریباً نزدیک به صفر بوده است که خود حکایت از برابری حق تحصیل در این استان دارد.

ویژگی کلی مکتب خانه های هرمزگان:

تا قبل از سال ۱۳۲۵ قمری (۱۲۸۴ شمسی)، اجرای آموزش و پرورش در سراسر هرمزگان به عهده مکتب خانه ها و مدارس علوم دینی بود. اغلب مکتب خانه ها در منزل ملأها و مکتب دار ها بود که در بیشتر نقاط استان نیز ساختمان مکتب خانه از چند عدد چوب گز، تافال، کرگین و سوند درست می شد که به آن سرگ یا کرگین^۱ می گفتند. ملأی مکتب خانه در هر شهر و روستا از اهالی همان محل بود و در بیشتر نقاط، دختران و پسران در یک مکان درس می خواندند، زیر انداز آنها معمولاً تکل (نوعی زیر انداز حصیری) محلی بود، اما برخی که وضع مالی مناسب تری داشتند از جانمازهای مخمل و یا زیر اندازهایی با پارچه مرغوب استفاده می کردند. تا قبل از مدارس جدید در مکتب خانه های هرمزگان الفبای عربی به طور کامل با تمام صداها و حرکات آموزش داده می شد و پس از آن ابجد و سپس سوره های کوچک از جزء سی ام قرآن را به شاگردان می آموختند (خطیبی زاده، ۱۳۸۶: ۱۲). آموزش در هرمزگان از وظایف والدین و نخبگان جامعه بوده و هیچکدام در ایفاء وظیفه خود قصور نمی کردند. میتوان گفت مردم هرمزگان این مرحله از تعلیم و تربیت را به خوبی پشت سر گذاشته اند. این افراد آگاه و دلسوز و آینده نگر، وظیفه سنگین تری به عهده گرفتند و در بیداری مردم همت به خرج دادند، همانگونه که گفته شد مساجد تا سالیان دراز علاوه بر عبادتگاه، محل تدریس نیز بود ولی بعد از مدتی مکتب خانه ها از مساجد به منازل پیش نمازان انتقال یافت. می توان گفت که: از چهارده قرن پیش به این طرف کار تعلیم و تربیت در سراسر استان هرمزگان در مساجد و مکتب خانه ها آغاز گردید تا امروز که از مکتب خانه ها راهی مدارس ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان و دانشکده ها و دانشگاه ها شده است.

^۱ . serg & kargin = سایبان و سرپناهی از جنس شاخ و برگ درخت خرما

در استان هرمزگان نظام مکتب خانه ای به صورت یک نظام آموزشی تربیتی درآمد و مدت زمان زیاد پا برجا ماند و به عنوان یک نظام مؤثر و کارآمد تعلیم و تربیت وجود داشته و هنوز هم اثراتش مشهود است در مکتب خانه همه چیز حول یک محور اصلی، و آن قرآن مجید بود. مکتب خانه ها محل انس و آشنایی و محبت بچه مکتبی ها به ملا بود. روی این اصل محبت در روح لطیف و ظریف کودک اثر بسیار نیکویی داشته است. در زمان گذشته، نزدیکی ملا به مکتب خانه و منزل بچه مکتبی ها نوعی احساس امنیت و آرامش در آنها ایجاد می کرد.

یکی از خصوصیات مکتب خانه های قدیم، آزادی در امر تعلیم و تربیت بود، آزادی سستی دربدو ورود به مکتب خانه ها، آزادی در شروع و ختم درس و غیره ...

امتحان نیز به صورت انفرادی بود، ملا بعد از این که درس می داد مرتب از او سوال می کرد و بچه مکتبی هم آن درس را تکرار می کرد و اگر در یادگیری مشکلی برایش پیش می آمد از خلیفه ملا (جانشین ملا یا دانش آموز با سابقه) می پرسید و مشکل خود را حل می کرد. مکتبی در انتخاب ماههای سال برای درس گرفتن آزاد بود. منظور از آموزش تعلیم گرفتن بود ولی مدرکی در کار نبود و هر خانواده ای که بچه اش را به مکتب خانه می آورد منظورش فقط یاد گرفتن بود و بس، البته درس اصلی قرآن بود. (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱: ۵۳)

ملا با تک تک بچه های مکتبی رابطه تعلیم داشت و از بچه های سابقه دار تر و خلیفه برای تدریس مبتدی ها استفاده می کرد ملا در مقابل بچه ها و والدین و مردم هر آبادی، مسئول و متعهد بود، هم از جهت تدریس صحیح، مخصوصاً قرآن و هم از لحاظ اخلاق و ادب و رفتار، ملا به ازاء تعلیم قرآن به کودکان و بچه مکتبی ها از والدین آنان مزدی دریافت می کرد و در مقابل یادگیری بعضی سوره ها، ملا پاداش مضاعفی دریافت می نمود. خواندن همراه با تکان های موزون سر و گردن از خصوصیات این گونه آموزش بود و امروزه هم کمابیش در بعضی نقاط استان هرمزگان چنین است (محبوب، ۱۳۸۲: ۷۸). مکتب یک آموزش ابتدایی بود که قبل از پیاده شدن نظام آموزش و پرورش نوین در استان هرمزگان و در بسیاری از نقاط جهان اجرا می شده است. مکتب خانه ها کار خود را با عمه جزء شروع می کردند. کودکان در روز اول ورود به مکتب خانه ها آیه بسم الله الرحمن الرحیم را به وسیله ملا تعلیم می گرفتند و روزهای بعد شکل و اسم حروف الفباء عربی به آنها تعلیم داده می شد. در بیشتر مکتب خانه های خصوصی در بندرعباس که ملاها در رشته های خود مهارت داشتند سه مطلب مهم مورد توجهشان بود.

۱- شناساندن و خوب یاد دادن کامل اسم و شکل حروف الفباء عربی

۲- شناساندن و خوب یاد دادن کامل حرکات و علامات

۳- ترکیب صدای حروف الفبا با صدای حرکات علامات

ملّا ترکه ای داشت و دستور می داد که شاگردان نیز هر کدام یک دار خط داشته باشند ، بعضی از والدین خوش سلیقه، دار خط فرزندان خود را با ابریشم، ملون و رنگین می کردند (ذوالفقاری و حیدری. ۱۳۹۱: صص ۶۲-۵۵).

ملّا در موقع تدریس الفباء ترکه خود را بالای شکل الف قرار داده و دستور می داد که بچه ها دار خط خود را زیر شکل الف بگذارند و همراه و هماهنگ با ملّا همان درس را برای بچه روخوانی می کرد . ملّا معتقد بود که با این کار طرفین در یاد گرفتن و خواندن مهارت پیدا می کنند . بعد از تعلیم دادن الفباء بوسیله ملّا و خلیفه این حروف را با حرکات زبر، زیر، پیش (فتحه ، کسره ، ضمه) بدین ترتیب آموزش داده می شد :

الف سرا - بی سرب - تی سرت ال آخر و بعد از آن الفباء را به صدای کسره یا زیر آموزش می داد و روش خواندن آن این طور بود :

الف - زرا - بی - زرب - تی زرت - تا آخر . بعد از آن حروف الفباء را با حرکت صدای ضمه یا پیش درس می داد بدین طریق الف برایا برایی برب یا بی برب تا آخر . ملّا هر روز صبح خودش درس روز قبل را از بچه ها می پرسید ، هر کدام از بچه ها که درس را یاد گرفته بودند تعلیم جدید می گرفتند ، در این موقع ، ملّا خودش یک مرتبه دیگر همان درس را برای بچه ها دوباره خوانی می کرد ، بعد دستور می داد که درس را تکرار کنند اگر باز هم یاد نمی گرفتند یکی از بچه ها که در گروه بالاتر بود آن درس را مجدداً تکرار می کرد (امید. ۱۳۳۲: ۱۲). بچه ها درس را بلند و آهنگین می خواندند . زمانی که سر و صدای بچه ها بلند بود می گفتند که بچه ها شور بر داشته اند .

زمانی که لوح های کوچک پیدا شد علاقه مندان و افراد صاحب همت لوح سیاه را برای بچه های خود تهیه می کردند و ملای مطلع و مسلط بر نویسندگی در حد متعارف طریقه نوشتن شکل حروف الفباء عربی را به بچه های مستعد مکتب خانه خود که دارای لوح سیاه و سنگ لوح بودند یاد می

داد . با این کار علاوه بر این که بچه ها طریقه خواندن قرآن مجید از الفباء تا آخر را یاد می گرفتند . نوشتن را هم در مکتب خانه بوسیله ملّا می آموختند و می گفتند فلانی سواد مکتبی دارد . باید گفت که خیلی از نویسندگان بزرگ و افراد باسواد این خط از ایران که نامی و نشانی از خود باقی گذاشته و مورد احترام بوده اند از شاگردان مکتب خانه های قدیمی می باشند . کار مکتب خانه دو شیفته بود یعنی از صبح زود شروع و با اذان ظهر شیفت صبح به پایان می رسید بعداز ظهر هم از ساعت دو شروع و تا پیش از غروب آفتاب خاتمه می یافت . ملّا پیش از غروب بچه ها را مرخص می نمود اما قبل از مرخص کردن همه بچه ها را به صف می کرد ، عین صف صبح گاهی مدارس فعلی ، بعد خودش با ترکه ای که معمولاً از خیزران یا شپپاک گز و یا کنار یا چوج بود جلوی بچه ها می ایستاد ، و آنها را پند و اندرز می داد و هر ملّا شعری از شاعران ایران که حاوی پند و اندرز نصایح بود می خواند .

اشعاری که ملّا می خواند بچه ها تکرار می کردند . ملّا می گفت بچه ها، در خانه به پدر و مادر و بزرگان سلام بکنید بچه ها جواب می دادند ای والله سپس این شعر را می خواندند :

پادشاهی پسر به مکتب داد لوح سیمین در کنار نهاد

بر سر لوح آن نوشت به زر جور استاد به زمهر پدر

بچه ها به آواز می گفتند ای والله بعد از آن ملّا با خیزران یا شپپاک و یا ترکه و یا چوب ادب خود به هر کدام از بچه ها یک کف دستی می زد و آنها را مرخص می کرد . معمولاً در آن زمان وقتی کسی می خواست مکتب خانه ای دائر کند باید از خودش نامی و صاحب اعتبار بودن خود مطمئن می شود و بعد دست به تأسیس مکتب خانه می زد ملّا هر چه پاک تر و مؤمن تر بود ، احترامش بیشتر و شهرتش بهتر و ماندگارتر می شد. (محبوب.۱۳۸۲: ۷۹)

ملّا‌های ماهر سوای تدریس، در حد توان خود مطالب مفید و سودمند دینی و اخلاقی را با تلقین و با پند و اندرز و اشعار آهنگین در قلب و ذهن بچه ها وارد می کردند .

در بیشتر مکتب خانه ها از سن ۷ سالگی بچه مکتبی ها را وادار می کردند که نماز بخوانند و آن هم در مسجد و با جماعت. اگر بچه ای از این کار سر باز می زد بوسله ملا و والدین سرزنش و تنبیه می شد. در بعضی از مکتب خانه ها علاوه بر سرزنش، تنبیه، چوب زدن، فلک چوب نیز از ابزار تنبیه بود. آنهم در بین جمع تا مورد عبرت دیگران گردد.

در بعضی از مناطق و محلات بین ملا و کلانتر محل تفاهم شده بود که اگر بزرگسالی مرتکب خطا می شد و خطایش قابل تنبیه بود کلانتر فرد خاطی را در ملاء عام و مخصوصا در حضور بچه مکتبی ها تنبیه می کرد تا عبرت آینده بچه ها باشد مکتب خانه ها در دوران طولانی حافظ و ادامه دهنده بسیاری از سنت های ایرانی در سراسر ایران و استان هرمزگان بوده و شایستگی خود را در حد امکان به خوبی نشان داده اند. (قاسمی پویا. ۱۳۷۷: ۴۵).

مکتب خانه های استان هرمزگان، مخصوصا در اطراف دور و نزدیک بندرعباس تا ۱۰۰ سال پیش که اولین دبستان در بندرعباس با برنامه کامل و رسمی شروع به کار کرد، تا سالیان دراز دوام داشت و همچنین محل نگه داری اطفال و سوادآموزی آنان بود و تا قبل از ایجاد مدارس جدید در مکتب خانه های استان هرمزگان علاوه بر قرآن مجید کتاب های جوهری، فی آداب الوضوء، ترسل، حمد بی حد، گلستان سعدی، دیوان حافظ، واجبات، کریم، مرثیه، ابوشجاع، عین الحیات، جامع الدعوت، نیز تدریس می شده است. در ادامه به معرفی چند مکتب خانه که شهرتی داشته اند می پردازیم. (وکیلی و رضایی. ۱۳۹۳: ۲۸).

از جمله مکتب خانه های معروف در استان هرمزگان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

مکتب خانه مشهدی ملا حسین کاتوزی - مکتب خانه مرحوم ملا غلام مؤذنی - مکتب خانه ملا حیدر - مکتب خانه حاج ابراهیم ملاحوتی - مکتب خانه ملا احمد ملا - مکتب خانه ملا جهان - مکتب خانه ملا خدیجه حاج عبدالحسین - مکتب خانه مرحوم ملا احمد فهیمی

برای آشنایی با شیوه آموزشی مکتب خانه ها که برنامه اصلی و مهم آنها، آموزش قرآن و احکام بوده است، به یکی از آن ها اشاره می شود.

مکتب خانه ملا علی رستمی:

آموزش او به این ترتیب بود: ۱-آموزش بسم الله الرحمن الرحيم ۲- الفباء۳-حروق ابجد ۴- عم جزء و در مرحله ی بعدی ملّا کتاب های جوهری ، جامع الدعوات و دیوان حافظ و گلستان سعدی به بچه ها یاد می داد.آموزش در این نوع علاوه بر یک برنامه واحد، به شکل انفرادی نیز بوده است بدین شکل که هر فراگیر جدای از دیگران، درس می گرفت و سپس درس پس می داد. در مکتبخانه ها علاوه بر آموزش های مذکور، فن نگارش نیز آموزش داده می شد. برای ساختن مرکب از شیر خشک درخت کهور استفاده می کردند بدین ترتیب که شیر خشک درخت کهور را می سوزاند و با آب گرم مخلوط می کردند تا مرکب درست می شد. با این مرکب بر روی لوح مخصوص سرمشق می نوشتند و بچه ها از روی این سرمشق تمرین می کردند. یکی از زیبایی های مکتب خانه ها، قرائت دروس با آهنگ و استفاده از حرکات سر و دست بود، همخوانی شاگردان با هم و با آهنگ و با استفاده از حرکات هماهنگ سر و دست، گاهی تا مسافتی دور نیز شنیده میشد، اما در کنار این شیوه آموزشی، تنبیه بدنی به شدت اجرا می شد، که همین امر سبب فرار بسیاری از کودکان از فراگیری علم در مکتب خانه ها بود. کودکان علاوه بر مزد و مواجب ، عیدی هم برای ملاء می آوردند و در روز عید نوروز برای گرفتن عیدی، نوروژنامه می خواندند.(سایبانی.۱۳۸۱: ۱۴۴)

شهریه مکتب خانه توسط خانواده شاگردان پرداخت می شد و دولت نقشی در آن نداشت.و معمولاً شهریه را با کالا که عمدتاً مواد غذایی همچون خرما، تخم مرغ، آرد و غیره بود می پرداختند (کتیرایی.۱۳۴۵:بی جا).

مکتب خانه های مشهور هرمزگان:

مکتب خانه ملّا جهان:

قرآن باشکوه ترین اعجاز حضرت محمد (ص) می باشد و پایه های دعوت حبیب خدا بر این کتاب بزرگ قرار دارد . کتابی که خود را از مرز زمان و مکان گذارنیده تا نور هدایتش افق های پهناور ابدیت را روشن سازد. نور این معجزه شور و شوقی در وجود حاجیه ملّا جهان به وجود آورد . ملّا جهان از جمله افرادی بوده که از سن طفولیت تا آخرین لحظات پرخیر و برکت خود را در خواندن قرآن و آموختن آن سپری کرده است . آن زنده یاد مکتبدار مشهوری بود و از جمله معروف ترین ملّاهای سخت گیر و سخت کوش در منطقه محسوب می شد که تا کنون شاگردانش در شب های

دوشنبه و جمعه به یاد او و برای شادی روح او فاتحه می خوانند. می گویند او در مکتب خانه اش در موقع تعلیم دادن حروف الفبا آن چنان با روشنی و فصاحت و با بلاغت صداها و حروف را بیان می کرد که متعلم درس را به خوبی فرا می گرفت و اگر احیاناً بچه ای نمی توانست خوب بفهمد او درس را با لب خوانی و اشاره تعلیم می داد با این کار او، بچه مکتبی خود به خود مجبور بود کل حواسش را متوجه حرکات لب های او کند و درس را بدین طریق یاد بگیرد. ملّا جهان از جمله ملّاهای شهر و دیار بندرعباس بود که در تدریس حروف الفباء و حرکات و صداها و سپس ابجد سخت پافشاری می نمود. بعد از فراگیری الفباء و ابجد او درسش را با سوره های کوچک شروع می کرد ملّا جهان برای فراگیری هر چه بیشتر مثل خیلی از ملا مکتبی های دیگر سوره را با هجا درس می داد و کلمات را به صورت کشیده و حروف آن را با صداها مخصوص آموزش می داد. مثلاً کلمه الحمد را چنین بیان می کرد: الف و لام سر آل؛ حی و میم سر حم؛ دال بر دُ = اَلْحَمْدُ.

کمتر شاگردی بود که به مکتب خانه ملّا جهان برود و قرآن را یاد نگیرد. او بچه مکتبی خود را وادار می کرد که در موقع درس دادن با دار خط خود همراه بخواند و کلمات را به همراه وی تلفظ کند. او به شدت بچه را تنبیه می کرد؛ تنبیه ملّا جهان بر دو نوع بود: یکی تنبیه درسی بود که اگر بچه ای در مکتب خانه مزاحمتی برای متعلمین دیگر ایجاد می کرد در این وقت بود که او با ترکه درخت چوچ و یا توج بچه خاطی و دیگر افراد بازیگوش را به باد کتک زدن می گرفت و در این زمان کلیه بچه های مکتب خانه شور بر می داشتند یعنی درس خود را آهنگین به بانگ بلند می خواندند و در این خواندن سر و سینه خود را با شتاب خم و راست می کردند. در این موقع کلیه مردم محله متوجه می شدند که ملاجهان بچه را سخت تنبیه کرده است که این طور شور برداشته اند، تنبیه دوم نیز به این طریق بود که اگر ملاجهان می شنید احیاناً بچه ای والدینش یا فرد دیگری را اذیت نموده است و یا ناسزایی به کسی گفته یا اینکه نماز نخوانده و یا مرتکب خطایی شده است، تنبیه انفرادی می نمود. او چوبی و بندی داشت و خیزرانی که آن را فلک چوب می گفتند. ملّا، خاطی را در جلوی بچه ها با کمک چند نفر از دانش آموزان بزرگتر بر روی زمین می خوابانید و دو پای او را در فلک چوب قرار می داد و خیزران به کف پایش می زد و یا بچه مکتبی خطاکار را به بغداد؛ سرگ؛ و یا به کنده نخل طناب پیچ می کرد و با خیزران او را با شدیدترین وجه تنبیه می کرد. خبر تنبیه او در سراسر محله می پیچید که امروز ملّاجهان فلانی را بخاطر این خطا این طوری تنبیه کرده است، شاگردان ملّاجهان مخصوصاً شاگردانی که در دوره جوانی خود پرورش داده زنان نامدار محله خود شدند که امروزه کمتر در قید حیات هستند. ولی اولادهای پیر آنها

هنوز که هنوز است از روش تدریس و تنبیه و زحمات او در این زمان به نیکی یاد می کنند و خود را مدیون زحمات مرحومه ملّا جهان می دانند .

یکی از کارهای نیک ملّا جهان این بود که شاگردانش را از روز اول ورود به مکتب خانه وادار می کرد که دندان های خود را قبل از خواب و بعد از خوردن غذا و پیش از نماز مسواک بزنند . در آن زمان ها که مسواک و خمیردندان نبود ملّا جهان دستور می داد تمام بچه های مکتبش هر کدام ریشه درخت چوج یا توج که طعم خمیردندان کلگیت را دارد در حدود ۱۰ سانت به همراه داشته باشند . اکثر بچه ها ریشه درخت چوج به عنوان مسواک با خود داشتند . ملّا جهان در مکتب خانه خود چند خلیفه داشت که بعدا همه آنها برای خود ملایی مشهور یا تاجری به نام شدند . ملاجهان اول صبح از بچه های پیشرو و موفق درس می پرسید و به آن ها تعلیم می داد. سپس به پرسش بقیه می پرداخت کار پرسیدن و درس دادن ملّاجهان تا ظهر (ملا اذان) طول می کشید و بعد از ظهر کار بچه ها فقط درس خواندن و یاد گرفتن بود آن هم به کمک ملّا و بچه های زرنگ. در مکتب خانه ملّا جهان در چند مرحله شربنی خوران بود که مهمترینش در موقع ختم قرآن بود ؛ زمانی که یکی از متعلمین قرآن مجید را ختم می کرد مراسمی بدین قرار برگزار می شد: اول والدین او در آن روز با کمک خویشان و همسایه های نزدیک یک یا چند دیگ بزرگ حلوی دوشابی می پختند و به ملاجهان خبر می دادند که حلوا آماده شده است. حاجیه جهان تعدادی از بچه ها را روانه آنجا می نمود وقتی شاگردان به درب منزل آن بچه می رسیدند یک مرد قوی هیکل یکی از دیگ های حلوایی که مخصوص ملا و بچه مکتبی ها بود بر روی سر می گذاشت و به طرف مکتب خانه روانه می شدند. در این هنگام یکی از خلیفه ها که بزرگتر و داناتر بود در جلو حرکت می کرد و بقیه به دنبال او روانه می شدند؛ خلیفه ارشد، شعر سبحان من یرانی را می خواند و نیز بچه های همراه با مرد حلوا به سر جواب می دادند در بین راه افراد علاقه مند هم به این جمع می پیوستند و آن روز شهر یک پارچه شور و شوق بود. والدین از خوشحالی در آن روز در پست نمی گنجیدند. (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۳۳).

سبحان من یرانی

سبحان من یرانی	الله و لایزالی
معبود و لایزالی	خالق تو برقراری
سبحان من یرانی	آدم که جد ما بود

سآلار انبیا بود	ذکرش همین دعا بود
سبحان من یرانی	کرمی میان سنگی
بر لب گرفته برگی	با کس نه صلح و جنگی
سبحان من یرانی	الحمد و حمد الله
وصف تو قل هو الله	حاکم حکیمی الله
سبحان من یرانی	موسی که زد عصا را
بر سنگ سخت خارا	می خواند این دعا را
سبحان من یرانی	الله بی وزیری
سلطان دستگیری	رحمن و ذوالجلالی
سبحان من یرانی	یونس به بطن ماهی
می گفت یا الهی	غفار و دستگیری
سبحان من یرانی	از قندها و خرما
شاگردها بخورند	آمین ها می گفتند

سبحان من یرانی

اشعار بالا تا زمانی که به درب مکتب خانه می رسیدند می خواندند . بعد همه بچه مکتبی ها و همراهان درب مکتب خانه می ایستادند و مرد حلوا به سر اینطوری می خواند :

آی حلوا حلوا دارم حلوای اعلاء دارم
 حلوای تن تنایی تا نخوری ندانی
 حلوا همینه حلوا خیلی شیرینه حلوا

بعدا بچه ها اشعار بالا را دسته جمعی می خواندند و دیگ حلوایی وارد مکتب خانه می شد و ملا اول می خورد بعد بین بچه ها و همراهان تقسیم می کرد و دعای ختم بخش می خواند و آن بچه را از آن روز به بعد به عنوان ملا می شناختند. (خطیبی زاده. مصاحبه شخصی . ۱۳۹۸).

مکتب خانه مرحوم ملا احمد فهیمی:

بشریت از زمان باستان میراثهایی بس فراوان از نشانه های ادب و زیبایی سخن در زبان ها مختلف اندوخته است : لیکن در این میراث ها، چیزی که مردم به اندازه قرآن به آن اهمیت داده باشند نمی شناسیم، اهمیتی که به قرآن داده شده بی نظیر است . ملا احمد فهیمی معتقد بود که قبل از تعلیم، قرآن را با عمه جزء شروع نماید شرایط پذیرش در مکتب خانه او بشرح زیر بود :

- ۱-والدین تعهد نمایند که در مرحله اول سر و تن و لباس بچه ها را پاکیزه و تمیز کنند بعد آنها را مکتب بفرستند.
 - ۲-وی تأکید زیادی بر روی مسواک زدن داشت تا بچه ها با دندان کثیف و دهان بودار به مکتب خانه نیایند.
 - ۳-والدین در امر آموزش همه جزء در یک ماهه اول عجله به خرج ندهند تا ملا آداب معاشرت و طهارت و نماز را به بچه ها یاد بدهد .
 - ۴-والدین باید بچه های خود را وادار به نماز خواندن نمایند و حتی الامکان سعی کنند آنها را به مساجد برده تا به صورت عادت در آید .
 - ۵-او بچه های ختنه نشده و کمتر از هفت سال را در مکتب خانه نمی پذیرفت
 - ۶-ملاً پافشاری می کرد که والدین وضو ساختن و آموزش خواندن نماز را به بچه هایشان یاد بدهند .
 - ۷-او می گفت اگر والدین از مسائل دینی و مذهبی اطلاعات کافی ندارند برای آگاهی بیشتر به ملا مراجعه نمایند .
 - ۸-وی به والدین توصیه می کرد تا بچه ها زیرانداز و ظروف آبخوری را به همراه خود بیاورند.
 - ۹-والدین را مکلف می نمود تا هر هفته نسبت به وضع رفتار و کردار بچه هایشان به وی گزارش دهند .
- ملا احمد قریب یک ماه به طریقه فراگیری طهارت ؛ وضو ساختن و آداب معاشرت به نوآموزان می پرداخت و سپس به تدریس الفباء و حروف و حرکات سمعی اقدام می کرد. بدون آنکه عمه جزء جلو بچه ها بگذارد الفبا را از بر می گفت و بچه با نگاه کردن به دهان ملا صداها و حرکات حروف را می آموخت و سپس تکرار می کرد بعد از این آموزش ؛ شروع به یاد دادن عمه جزء می نمود.
- مرحوم ملاً احمد در امر تربیت بدنی بسیار سخت گیر بود او برای تنبیه کردن از دم سفره ماهی که آن را دم پو می گفتند استفاده می کرد. ملاً احمد دیگر ملاها شیرینی سر تعلیمی می گرفت و در موقع ختم قرآن نیز جشن خصوصی با همکاری والدین برگزار می کرد. او به افراد مستعد آموزش کتابهای مبداء و معاد و کتاب ابو شجاع را می آموخت و همچنین کلیات سعدی و دیوان حافظ هم

یاد می داد. ملا احمد فہیمی مردی متقی و با عبادت و خیر و مومن بود و علاقه زیادی به اشعار و سروده های شعرا داشت. (همان)، از جمله شعر زیر:

خوش بود گر تو یار ما باشی	مونس روزگار ما باش
روز کی ہمنشین ما کردی	شبکی در کنار ما باشی
ما همه بندگان حلقہ به گوش	تو خداوندگار ما باشی
غم نگردد به گرد خاطر ما	گر دمی غمسار ما باشی
تا دل بی قرار ما باشد	در دل بی قرار ما باشی

مکتب خانہ مرحوم ملا غلام مودنی:

مرحوم ملا غلام، ملایی مدبر و مسلط بر کار خویش بود. او کار تعلیم پیام الہی به نوباوگان را به عہدہ گرفت و در محلہ خود تا آخرین لحظہ حیات این شغل شریف را بہ درستی انجام داد و نام نیک خود را برای آیندگان ماندگار کرد. ملا غلام وقتی بچہ مکتبی را از والدینش تحویل می گرفت از آنها می خواست کہ در دو ماہہ اول حضور کودک در مکتب خانہ، بطور احسن با ملا ہمکاری نمایند، زیرا معتقد بود:

خشت اول گر نہد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

یکی از تفاوت های قابل توجہ ملا غلام با برخی از مکتب داران آن بود کہ او قبل از شروع و آموزش الفبا با بچہ های مکتبی تازہ وارد از بہداشت بدن و لباس و جایگاہ درس صحبت می کرد. مہارت ملا در برقراری ارتباط میان مسائل و دین، خدا، قرآن، رسول خدا و ائمہ اطہار بسیار زیاد و ستودنی بود و اینچنین در حین آموزش موضوعات و مسائل مختلف، دین را نیز بہ آنها آموزش می داد او در ہنگام تدریس و یاد دادن قرآن، فرضیات و مستحبات دین و مذهب را بہ طور سادہ بہ بچہ ہا می آموخت. در مکتب خانہ ملا غلام سر تعلیمی معمولاً رایج بود. وقتی کہ بچہ ہا شیرینی سر تعلیمی می خوردند ہمگی دست خود را بہ پیراہن بچہ مکتبی کہ تعلیم جدید گرفته بود پاک می کردند و می گفتند: ملا، ملا، ملا باشی. ملا غلام در موقع عصر بچہ ہا را سر چاہ بردہ و کربہ ہا را آب می نمودند اول خود وضو می گرفت و سپس دستور می داد کہ بچہ ہا عمل او را تکرار کنند؛

بعد از آن در زیر درخت کهور^۳ نماز جماعت برگزار می نمود. همچنین در میان راه آموزش طهارت، نماز، وضو را به بچه ها یاد می داد. موقعی که یکی از بچه ها قرآن مجید را ختم می نمود مراسم ختم بخش و فاتحه خوانی در مکتب خانه و منزل آن دانش آموز برگزار می کردند. اگر دانش آموز علاقه مند به ادامه تحصیل بود آموزش کتاب های حافظ، جوهری، گلستان و جودی را همراه با قرائت و کتابت به وی می آموخت. ملا غلام در فن دعانویسی و سرکتاب باز کردن و طالع دیدن و خارگشا کردن مهارت داشت. ملا غلام در تشخیص نحسی مو آگاهی داشت، جریان نحسی مو از این قرار بود که وقتی فرزندی از خانواده ای در مرحله بیمار می شد مثل حالا که بیمار به مطب پزشک می بردند. در آن زمان بچه بیمار را پیش وی می بردند، اول بچه را کاملاً معاینه می کرد. سپس والدین و خواهر و برادر او؛ اگر چنانچه موی پیچ خورده به اندازه یک سکه دو ریالی یا پنج ریالی روی گردن و یا پیشانی و پشت آنها دیده می شد و جهت آن نیز به طرف راست بود می گفتند این مو نحس است و باید داغ شود، چنانچه والدین رضایت می دادند. ملا غلام تکه ای پارچه را به صورت لوله در آورده و سپس یک سر آن را که به زبان محلی لته موشی می گفتند آتش می زد و بر روی مو پیچ خورده پیشانی یا گردن و یا پشت آنها می گذاشت تا حلقه مو و پوست بسوزد. یا اگر موی پیچ خورده پدر یا مادر بیش از اندازه مذکور بود آن وقت با ته مسمار گداخته آن را می سوزاند در این هنگام والدین حق نداشتند آخ بگویند زیرا اگر پدر و مادر طفل آخ بلند می گفتند عمل داغ در امر بهبود طفل موثر واقع نمی شد زیرا آنها معتقد بودند بیمار شفا نمی یابد.^۴

یکی از خلیفه های مشهور مرحوم ملا غلام نقل می کند که او حرف الفبا را این طور درس می داد . الف الف یا الف بله آ ؛ ب بله با ؛ ت الفبا بله تا ؛ تا به آخر الفبا را همین طور درس می داد . وی بچه را سخت تنبیه می کرد چوب و فلکش همیشه آماده بود . ملا غلام نه تنها در زمان خود مشهور و معروف بود بلکه تا هم اکنون نامش زنده است . او سعی داشت اشعار موزون شعرا را خارج از وقت درس و آنهم بعد از نماز عصر به بچه ها بیاموزد تا آنها یاد بگیرند و پیش خودشان زمزمه

^۳ . درخت کهور، گونه ای از درختان صحرایی و همیشه سبز بوده که بومی جنوب شرقی آسیا از جمله ایران، هند، پاکستان، عربستان و یمن است.

زیستگاه طبیعی این گیاه سراسر دشت ها، بیابان ها، کوهپایه ها و گاهای قله کوهها در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری همچون هرمزگان میباشد.

^۴ . این رسم تا اوایل دهه ۸۰ در برخی نقاط استان هرمزگان همچنان رواج داشت.

کنند و در موقع مرخص شدن در بین راه مکتب تا منزل به آواز بلند بخوانند تا اهل محل بدانند که بچه ها از مکتب مرخص شده اند. (خطیبی زاده و هاشمی پور. ۱۳۷۲: ۶۵)

اشعار حافظ سخت مورد توجه او بود غزل زیر یکی از محبوب ترین غزل ها در نزد او بود :

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی	تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
در مکتب حقایق پیش ادیب عشق	هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
دست از مس وجود چو مردان ره شوی	تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کن	آنکه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی
گر نور عشق حق به دل و جانت افتد	بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی
یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر	کز آب همت بحر به یک سوتر شوی
از پای تا سرت همه نور خدا شود	در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی
وجه خدا اگر شودت منظر نظر	زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی
بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود	در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
گر در سرت هوای وصال است حافظا	باید که خاک درگاه اهل هنر شوی ^۵

ملاً غلام معمولاً غیر از ماه محرم و صفر و شب های دوشنبه و جمعه که روضه خوانی و منبر داشت بقیه شب ها مجلس مشاعره برپا می نمود که بچه ها و والدین در این رابطه شور و حالی به مجلس او می دادند (کمالی زاده. ۱۳۹۸: ۲۹) .

نتیجه گیری

همان طور که گفته شد مکتب خانه ها یکی از نظام هایی بودند که باعث گسترش سواد آموزی در همه ی مناطق و حتی نقاط دور افتاده و روستاها شدند و از پایه گذاران مدارس امروزی به شمار می آیند که تأکیدی زیادی بر پرورش اخلاق نیکو و توجه به سنت ها اعتقادات مردم ، از نظر هدف تربیتی و اجتماعی و هنجارهای آن و به کارگیری شیوه انفرادی در آموزش داشتند ولی با این وجود اشکالاتی بر این نظام وارد بود که میتوان موارد زیر را نام برد: همخوانی نبودن با ویژگی های جسمی و عاطفی و توانایی یادگیری کودک ، مجازات کردن کودکان به خاطر بازی و حرکتهای جسمانی در حالی که میدانیم کودکان در این دوره نیاز وافر به جنب و جوش و بازی دارند ، فقدان درسهایی

^۵ . غزل شماره ۴۸۷ از دیوان حافظ.

مثل هنر، ورزش در بین مواد درسی، توجه نکردن به پرورش و تقویت استعدادهای هنری دانش آموزان و استفاده از شیوه های تنبیه مغایر با روحیات کودکان که باعث بیزاری توده ی کثیری از مردم به سواد آموزی و در نتیجه بی سوادی گروه زیادی از مردم ایران شد. مکتب خانه ها به عنوان مراکزی که در گذشته در بحث آموزش، تربیت و یادگیری را بر عهده داشتند دارای ظرفیت ها و ویژگی های فراوانی بوده است که بسیاری از این تناقض ها مانند نقش تکرار و تمرین در یادگیری نحوه ارزشیابی، فعالیت ها تکمیلی امروزه مورد استفاده قرار می گیرد و میتوانیم از نکات مثبت دیگری مکتب خانه ها مانند نحوه سیاستهای تشویقی، تقدس بخشی محیط آموزشی و برنامه های اقتصادی می تواند برای آموزش و پرورش مدرن به عنوان یک الگوی مفید مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. - اعظام قدسی، حسن، ۱۳۴۵، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، تهران
۲. - امید، حسین، ۱۳۳۲، تاریخ فرهنگ آذربایجان، خانه فرهنگ، تبریز
۳. - پروین، ناصرالدین، ۱۳۷۶، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان: مرکز نشر دانشگاهی، تهران
۴. - خطیبی زاده، محمد، ۱۳۸۶، مکتب خانه ملا جهان، ناشر مجمع خیرین مدسه سازان استان هرمزگان، بندرعباس
۵. - خطیبی زاده، محمد، هاشمی پور، محمد، ۱۳۷۲، تاریخچه تعلیم و تربیت (فرهنگ نوین) استان هرمزگان، جلد اول، انتشارات چی چی کا، بندرعباس
۶. - دهقان، علی، ۱۳۴۸، سرزمین زردشت، ابن سینا، تهران
۷. - رشیدی، شمس الدین، ۱۳۶۲، سوانح عمر، نشر تاریخ ایران، تهران
۸. - ذوالفقاری، حسن و حیدری، محبوبه، ۱۳۹۱، ادبیات مکتبخانه ای ایران: انتشارات رشدآوران. تهران،
۹. - سایبانی، احمد، ۱۳۸۱، بندرعباس و هلال طلایی، زعیم، تهران
۱۰. - قاسمی پویا، اقبال، ۱۳۷۷، آموزش جدید در دوره قاجاریه (بانیان و پیشروان)، تهران، نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران
۱۱. - قتالی، سید عبدالجلیل، ۱۳۹۸، دانش نامه ی بندر خمیر: (پژوهشی در تاریخ، جغرافیا، طبیعت و مردم شناسی بندر خمیر، جلد دوم)، نشر ایلاف، شیراز

۱۲. - کازرونی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۷، تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، ت. صحیح دکتر ستوده، مؤسسه فرهنگی جهانگیری. تهران
۱۳. - کتیرایی، ۱۳۴۵، محمود، از خشت تا خشت، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران
۱۴. - کمالی زاده، ح. سین، ۱۳۹۸، تحولات آموزشی فرهنگ هرمزگان از م. شروطه تا کنون، نشر رسول، چاپ اول، بندرعباس
۱۵. - محبوب، جعفر، ۱۳۸۲، ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دربارهٔ ادب و ادب و رسوم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری، چشمه، تهران
۱۶. - محمدی، محمود، ۱۳۸۱، روحانیون و مدارس جدید در ایران؛ دوف. فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، تهران
۱۷. - وکیلی، غلام، رضائی، علی، ۱۳۹۳، تاریخ آموزش و پرورش استان هرمزگان، انتشارات کوروش چاپ تهران
۱۸. مقالات:
۱۹. - اقدصادی، فائزه، & اکبری، محمد (۱۳۹۴). مکتب خلنه به عنوان یک نهاد آموزش و پرورش. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۲۰. - بابایی زارچ، احمد، ترابی فارسانی، سهیلا، & میرحسینی، محمدحسین. (۱۳۹۹). بررسی سیستم آموزشی یزد در دوره قاجاریه. فصلنامه تاریخ، ۱۵(۵۸)، ۲۵۲-۲۱۵.
۲۱. - خادمی، نعمت، ۱۳۹۸، مکتب خلنه های سنتی الگویی برای آموزش و پرورش مدرن، اولین همایش ملی آموزش، کارآفرینی، توسعه (فرصت ها، چالش ها، راهکارها)، بندرعباس
۲۲. - فضلی، ابوالفضل، & سپهری، محمد. (۱۳۹۸). آموزش و نهادهای آموزشی آل زیار و انعکاس آن در قابوسنامه. فصلنامه تاریخ، ۱۴(۵۵)، ۷۱-۹۸.
۲۳. - همایون، ناصر (۱۳۸۷)، آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در عصر صفویه، پژوهشنامه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲، شماره ۵.
۲۴. مصاحبه ها:
۲۵. محمد، خطیبی زاده، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۸/۱۱/۸.
۲۶. هاشم، کرمشاهپور، (مکتب دار دهه ۴۰ و ۵۰)، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۹/۳/۵.
۲۷. احمد، سایبانی، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۹/۱/۱۶.

۲۸. سالنامه ها و نشریه ها:

۲۹. سالنامه فرهنگ بندرعباس، شیخ عبدالجلیل انصاری، ۱۳۳۸.

۳۰. قتالی، سید عبدالجلیل، دانشنامه ی بندر خمیر، نشر ایلاف، چاپ دوم، ۱۳۹۸.

۳۱. اولین نشریه فرهنگ حوزه بنادر و جزایر بحر عمان و خلیج فارس، چاپ گمبرون، ۱۳۸۸.